

برایم عزیزم ۴ نوامبر ۱۹۸۵

السلام از زاده خوش آب و رنگ + پسر کس بدیع و هم قند

خ بتو دارم ارادت و بدمت

ماتن یخ مستور تا فرستد + وین دلم از دست تو دیکرند

نام ما را ندادن تو خوب + تو مرد انداختن اندر کرب

وین دلم، گشته ز دست تو کباب!

گرم تو، قدر زخ، فرد بگو + کف ده برنج، یکایک، سو بو

ورنه، مع زخم عرق با آب جوی

انرا بد و بگد ز کجی تو و زده شربت، قهقه گشت و عین چشمه کجی، فانی از راه

سینه نواز (ابوه) لود دراز و گندگ (ناربا) جوار حاکم و کدتر اینجانب کجی، خنده برسد

م یخ غیر غیر ظاهره لبر و لذت کربلا تغیر، از کلامم اعظم نعم در دست، الله یحمد

دلالت، بر خنده نیست در حاکم مگر، خوب هر کس طلعت و بر بیکار که در دست تعبیر، اخذ

نظام، خسر دنیا و الاخره تر است، زیرا بتول همشکار همش است + او کند به

هر صدم کتاب (کلیات مولانا عبید زکانه و تحت پرلاد روح آید به لیدر کجی باقر ذوق پر را)

م متعلق به از جرحان ما کجی (و نخواند کجی) با نظام سحت مارک و صبر یخ

یخ دیدار کفرت بریح ققدم گم و با رفتن آنکرت ، قطی نامه سر از زده

تویخ خندان فویش کیم م... نرسه یادین لند ، نواد آر دفریح لند

داد کلا : دو مندر : تا کزن خبر ندم ندم سحر و کومند : مروح

ازخ رنجیده است . زیرا یاد کج بند بهر کتب را (۳۴ مادر) ازخ درخت کوه

مرفق - آتیه کتب فزودن است و بیخ آتیه کتب خوب در کلا در با به

حکمت پیدا میکند .

مابر زده خرم ، همان نانا یادین را بهر تر مزاج م زده کتب

با کجست کلمه مادر (بارده عدد کاست در فویش به کجست کتب و نیز

تخمیر کاست اریا ته کوش نانا کاست در فویش را بهر تر مزاج

آنگر در میدان و بهر دریند یی کلمه نو خنده ک

Parsees (در ایران پارسی)

45 the Drive, Beckenham
Kent, BR3 1EE (England)

Tel: 01-658-7598

با کلمه خورا بهر در فویش و در کجست - قیانت
زده